

سرشناسنامه: زارع یزدی، مریم،  
 عنوان: احکام فقهی حقوقی تأثیر جنون در فسخ نکاح  
 تکرار نام پدید آور: مولفین مریم زارع یزدی، فروزان علایی نوین  
 مشخصات نشر: قم: لاهیجی، ۱۳۹۵  
 مشخصات ظاهری: ۱۳۹ ص،  
 ابعاد: ۲۰۰۰۰ ریال  
 ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۰۲-۶۰-۹  
 وضو، مهرست نویسی: فیبا  
 یادداشت: کتابنامه: ص: ۱۳۹-۱۳۴؛ همچنین به صورت زیر نویس،  
 موضوع: سرسبی - فسخ (فقه)  
 موضوع: زارشعی - قوانین و مقررات - ایران  
 موضوع: فقه - قوانین مقررات ایران  
 موضوع: طلاق (فقه)  
 شناسنامه افزوده: علایی نوین، فروزان  
 رده بندی کنگره: ۱۳۹، کتب ۲ ز ۶ Bp  
 رده بندی دیویی: ۶۰۰  
 شماره مدرک: ۹۷-۱۲۲


### شناختنامه کتاب

نام کتاب: احکام فقهی حقوقی تأثیر جنون در فسخ نکاح  
 مؤلفین: مریم زارع یزدی (عضو هیئت مدیره دانشکده آزاد اسلامی واحد کرج)  
 / دکتر فروزان علایی نوین (استادیار و عضو هیئت مدیره دانشکده آزاد اسلامی واحد کرج)  
 نوبت چاپ: اول / ۹۵  
 چاپخانه: .....  
 ناشر: .....  
 تنظیم و صفحه آرایی: محمّد تقی بحرانی / ۹۶-۱۹۶۹  
 تیراژ: .....  
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۰۲-۶۰-۹  
 قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

### انتشارات لاهیجی

قم: ص. پ ۷۷۴-۳۷۱۸۵

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۳۷۴۹۷-۰۹۱۲۱۵۳۰۸۳۳



تقدیم به:

با کمال احترام و آرزوی خیر و برکت این کتاب را به پیشگاه منجی عالم بشریت

حضرت مهدی (عج)، امام عالی مقام (علیه السلام) و سالار شهیدان


امام حسین (علیه السلام) و بندگان فدای ایشان که زیباترین

جلوه های پایداری، استقامت، فداکاری، ایثار و جان نثاری

در کربلای خونین سال ۶۱ هجری قمری به نمایش گذاشتند و نام

مقدس شان با خط زرین نقش بند صفحات تدریج گشت

تقدیم می نمایم.



## هرست مطالب

۱۳	پیشگفتار
۱۹	مقدمه
۲۱	مفاهیم و اصطلاحات
۲۱	مفهوم جنون
۲۱	جنون در لغت
۲۱	جنون در اصطلاح فقهاء
۲۱	جنون در اصطلاح حقوقدانان
۲۱	انواع جنون
۲۴	جنون دائمی
۲۵	جنون ادواری
۲۵	جنون متصل به صغر
۲۶	جنون غیر متصل به صغر
۲۶	مصادیق جنون

- ۲۷..... تحلیل جنون از دیدگاه علماء حقوق
- ۲۷..... جنون از دیدگاه پزشکی قانونی
- ۲۸..... عقب افتادگی ذهنی
- ۲۹..... اختلال کمبود توجه همراه با بیش فعالی
- ۳۰..... اختلال حرکت
- ۳۰..... اختلال تک تک
- ۳۰..... اختلال زور عقل
- ۳۱..... اسکیزوفرنی
- ۳۲..... ملاک‌های تشخیص اسکیزوفرنی
- ۳۳..... انواع اسکیزوفرنی
- ۳۳..... نوع پراتوئید
- ۳۳..... نوع آشفتگی
- ۳۴..... نوع کاتاتونیک
- ۳۴..... نوع باقیمانده
- ۳۴..... اختلال هذیاتی
- ۳۵..... مسئولیت کیفری
- ۳۶..... اختلال شخصیت
- ۳۷..... ملحقات جنون
- ۳۸..... زوال عقل
- ۳۸..... زوال عقل الکلی
- ۳۸..... زوال عقل به علت تصلب شرایین

- ۳۹..... زوال عقل صرعی
- ۳۹..... زوال عقل پس از ضربه مغزی
- ۳۹..... زوال عس پیری
- ۴۰..... سبب انحلال نکاح
- ۴۰..... فسخ نکاح
- ۴۰..... تعریف فسخ
- ۴۱..... تفاوت فسخ و افساح
- ۴۱..... طلاق
- ۴۲..... بذل مدت
- ۴۳..... مقایسه طلاق و فسخ نکاح
- ۴۴..... وجوه اشتراک طلاق و فسخ نکاح
- ۴۵..... وجوه افتراق طلاق و فسخ نکاح
- ۴۷..... مقایسه فسخ و بطلان
- ۴۸..... قواعد عمومی حاکم بر فسخ نکاح
- ۴۸..... رضایی بودن فسخ نکاح
- ۵۰..... فوریت فسخ نکاح
- ۵۴..... موجبات فسخ نکاح
- ۵۴..... مفهوم عیب
- ۵۵..... عیوب موجب فسخ نکاح
- ۵۵..... عیوب مختص زنان
- ۵۷..... بررسی و آثار عیوب زنان حین عقد یا پس از عقد

- عیوبی که مختص به مردان استند ..... ۵۸
- عیوبی که بین زن و مرد مشترکند ..... ۵۸
- تخلف از شرط صفت ..... ۵۹
- تدلیس ..... ۶۲
- جنون در مراحل آن ..... ۶۶
- جنون منجر به فسخ نکاح ..... ۶۸
- تأثیر تدلیس گواهی های پزشکی قانونی راجع به اثبات جنون ..... ۷۱
- عده فسخ در نکاح دائم منقطع ..... ۷۳
- بررسی فقهی حقوقی جنون در فسخ نکاح ..... ۷۳
- مقدمه ..... ۷۳
- قاعدۀ نفی ضرر ..... ۷۵
- قاعدۀ تدلیس ..... ۷۵
- صحیحۀ طبری از امام صادق (ع) ..... ۷۵
- صحیحۀ محمد بن مسلم از امام باقر (ع) ..... ۷۶
- صحیحۀ ابو عیینده از امام باقر (ع) ..... ۷۸
- روایت رفاعه بن موسی از امام صادق (ع) ..... ۷۹
- صحیحۀ طبری از امام صادق (ع) ..... ۸۱
- روایت حماد بن عیسی، از امام جعفر صادق (ع) از پدرش امام باقر (ع) ..... ۸۱
- اشکال عمدۀ در تمسک به روایات تدلیس ..... ۸۵
- اخبار دروغ بر عدم وجود عیب ..... ۸۵
- کتمان عیب آشکار ..... ۸۵

- ۸۵..... ابراز نکردن عیب مخفی
- ۸۶..... سکوت
- ۸۶..... کبیری که بر هر دو طرف مخفی باشد
- ۸۹..... عده لاضرر
- ۸۹..... اشکال تهیه کعبه قاع «لاضرر»
- ۹۲..... روایت فاعله بنی موسی از امام صادق (ع)
- ۹۲..... روایت زید سجاده بنی موسی از آن مفضل بن صالح است از امام صادق (ع)
- ۹۳..... روایت عبدالرحمن بن عیسی از امام صادق (ع)
- ۱۰۳..... ادله‌ی روایی جواز فسخ برای زوجین
- ۱۰۳..... ادله‌ی روایی جواز فسخ برای زوج
- ۱۱۴..... ادله‌ی روایی جواز فسخ برای زوج
- ۱۱۸..... نظر فقها امامیه
- ۱۲۱..... نظر فقهاء اربعه در جواز فسخ نکاح
- ۱۲۱..... نظر شافعیه و حنابله
- ۱۲۳..... دیدگاه حنفیه
- ۱۲۴..... قوانین دیگر کشورهای اسلامی
- ۱۳۶..... دیدگاه قاتون مدنی در اعتبار عیوب
- ۱۳۶..... دیدگاه قاتون مدنی و مذاهب امامیه
- ۱۳۹..... سخن پایانی
- ۱۳۴..... منابع و ماخذ

## پیشگفتار

«الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسوله وعلى آله الطيبين الطاهرين سيما بقيه الله الاعظم روحه له الفداء»  
حمد و سپاس بر پروردگار مهربان که بر آفرید این عرش منت نهاد و برای هدایت از میان خودشان پیامبرانی را برگزید. آنها را از ظلمت و جهل به نور و دانایی هدایت نماید. در میان مسائل و مشکلات حقوق خانواده یکی از مباحث مهم و اساسی مبحث انحلال نکاح است که این انحلال، در عقد نکاح دائم به واسطه فسخ و طلاق و در ازدواج موقت به واسطه بذل مدت واقع می شود، طلاق و فسخ نکاح هر چند هر دو موجب انحلال نکاح از تاریخ وقوع آن می باشند و نیز در نگهداشتن عده (سه طهر) مشترک هستند، اما در مواردی نیز با یکدیگر اختلاف دارند؛ از جمله، عدم طی نمودن مراحل طلاق، عدم



امکان رجوع، تفاوت در پرداخت مهریه، عدم ایجاد حرمت ابدی، محسوب نشدن جرم در صورت عدم ثبت قانونی فسخ.

یکی از اسباب فسخ نکاح عیوب زوجین می باشد و در این میان جنون، از عیوبی است که بیشترین نقش و تأثیر را در انحلال نکاح دارد. فقه‌ای امامیه، جنون را به فساد عقل و خلل و اختلال در آن تعریف کرده اند، و در دو جا از تأثیر جنون یکی از زوجین در انحلال نکاح، سخن به میان آورده اند: نخست، فسخ نکاح از سوی یکی از زوجین، علت جنون طرف مقابل و دیگر، طلاق زوجه مجنون از سوی ولی پهری. لذا تأثیر جنون در فسخ نکاح را مستند به برخی روایات و احادیث فقه‌های امامیه و قاعده لاضرر دانسته اند.

دانشمندان علمای حقوق، در مقام تعریف جنون یا پسیکوز، آن را اختلال شدید تکرر اجتماعی و شخصی میدانند «که بامردم گریزی و ناتوانی در انجام تقاضای خانوادگی و شغلی، و غیرمسئول بودن همراه است.

نویسندگان حقوق نیز در مقام تعریف مجنون، وی را فرد مختل المشاعری میدانند که نتواند قصد انشاء کند و مانند صغیر غیرممیز، فاقد درک و تمیز و اراده برای اعمال حقوقی است» همچنین در تعریف جنون آورده اند: «جنون صفت کسی است که فاقد قدرت تشخیص ضرر و نفع و حسن و قبح است.

قانون مدنی ایران، جنون هر یک از زوجین را به شرط استقرار (ادواری باشد یا طباقی) یکی از عیوب مشترک و از موجبات

فسخ نکاح دانسته اند، مقصود از شرط استقرار جنون، این است که قانونگذار نسیانهای سریع الزوال، بیهوشی های ناشی از هیجانان یا زنی صرع را (مطابق نظرفقهای امامیه) مشمول عنوان جنون ندانسته اند.

جنون مکن است سابق بر عقد نکاح باشد یا پس از آن عارض شود. قانونگذار بر حکم جنون زوجین در این دو مقطع تفاوت قائل شده و جنون زن را بر هر دو مقطع و جنون زوجه را صرفاً در صورتی که قبل از عقد باشد، موجب ایجاد حق فسخ برای زوج دانسته است.

یکی دیگر از مسائلی که در خصوص جنون زوجین مطرح می شود این است که آیا پذیرش جنون یکی از موجبات فسخ نکاح، مانع از طرح دعوای طلاق به همین استناد است؟ ظاهر فتاوی فقهای امامیه و مواد قانون مدنی مبین این است که در صورت جنون زوج، زوجه صرفاً میتواند به دعوای فسخ متوسل شود. مگر آنکه به هر دلیلی از جمله عدم رعایت فوریت موجبات فسخ فراهم نباشد. این در حالی است که در صورت جنون زوجه، زوج میتواند ضمن توسل به دعوای فسخ، از حق طلاق خود نیز استفاده کند.

با این وجود باید توجه داشت که به موجب بند پنجم از شروط مندرج در سند نکاحیه، چنانچه به رغم جنون زوج، امکان فسخ نکاح شرعاً فراهم نباشد، برای زوجه وکالت در طلاق

برقرار است. بنابراین، قید چنین بندی در سند مذکور تا حدودی خلأ قانون را جبران مینماید؛ اما، از آنجا که جریان این شرط، منوط به توافق زوجین بر آن است، همواره امکان عدم حصول چنین توافق و در نتیجه عدم جریان این شرط، متصور است.

قانون مدنی ایران، ولی قهری مجنون دایمی را مجاز دانسته است که در صورت مصلحت مولی علیه، زوجه وی را طلاق دهد علاوه بر قانون مدنی، پیش بینی که قانون امور حسبی نظام حقوقی ایران، نموده: چنانچه طریقه روجه مجنون لازم باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه طلاق مدهد. در خصوص این دو مقرر قانونی ذکر این نکته شایان توجه است: به رغم آنکه قانونگذار در قانون امور حسبی به نحو اطلاق بدون تفکیک میان مجنون ادواری و اطباقی، حکم به جواز طلاق زوجه مجنون از سوی قیم و با شرایط مقرر نموده است، با وحدت ملاک است. ۱۳۳۷ قانون مدنی و با استفاده از اصول حقوقی، باید این حکم را محدود به طلاق مجنون دائم دانسته، از تسری آن به مجنون ادواری اجتناب نمود.

لهذا پذیرش هر یک از احکام مزبور، آثار فقهی و حقوقی خاصی به دنبال خواهد داشت مشهور فقهای امامیه و به پیروی از آنان حقوقدانان معاصر، مطلق جنون را به عنوان یکی از عوامل فسخ نکاح بر شمرده اند که مستند ایشان، دلالت پاره‌ای از اخبار و روایات وارده

در ابواب عیوب و تدلیس در نکاح می‌باشد که در خور تأمل و بررسی می‌باشد که در این کتاب بطور مفصل به این موارد خواهیم پرداخت.

مریم زارع یزدی - دکتر فروزان علایی نوین

تابستان ۱۳۹۵

www.Ketab.ir

## مقدمه:

فسخ نکاح مورد بحث، میرا زطلاق است که به واسطه آن رابطه زناشویی منحل شده به طوری که تشخیص طلاق در آن جاری نمی‌باشد در نظام حقوقی ایران، جنون هر یک از زوجین به تنهایی در ایجاد موجب فسخ نکاح می‌شود این حکم در مورد مرد مطلق است خواه جنونش قبل از عقد باشد (در فرض جهل زوج) یا پس از عقد و قبل یا بعد از آمیزش عارض شده باشد حکم یاد شده در جنونی که پس از عقد پدید آمده اگر در حد عدم تشخیص اوقات نماز نباشد، مانع از فسخ است اما جنون زن در صورتی موجب فسخ است که قبل از عقد بوده و مرد هم جاهل به آن باشد. در جنون موجب فسخ میان جنون دائم و انواری - هر چند عقد در دوره ای الفلقه انجام گرفته باشد فرقی نیست همچنین جاهل بودن است که در این حکم تفاوتی میان از دواج دائم و موقت نیز نیست خیار فسخ برای هر یک از زوج و زوجة فوری است بنابراین هر گاه هر کدام از آن دو به عیب آگاه باشد و به فسخ مبادرت نکند عقد لازم می‌شود بنابراین است که جهل به عیب فسخ و جهل به جنون بودن آن عنصر محسوب می‌شود بنابراین در صورت جهل به هر یک از این دو مورد اگر مبادرت به اعمال خیار صورت نگیرد خیار ساقط می‌شود.

اماد موارد بروز شک در این خصوص، بعد از بررسی‌های که انجام شد باید عنوان نمائیم بی شک مقتضای اصل عملی در صورت شک در از بین رفتن نکاح به واسطه جنون مرد یا زن قبل از عقد،

استصحاب بقای رابطه ی زوجیت است همچنین مقتضای اصل لفظی استفاده شده از آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» هم لزوم عقد و عدم انفساخ آن است. ولی ادله لفظی مانند روایات تدلیس و لاضرر و غیره مانع جریان این اصل می گردند. روایات تدلیس در موارد صدق عرفی تدلیس و قاعده لاضرر در تمامی مواردی که عیب قبل از عقد وجود داشته است، حق فسخ در عقد نکاح را اثبات می نمایند. اما در خصوص عیوب زن، روایات خاصی وجود دارد که تنها برخی از عیوب زن را که قبل از عقد وجود داشته سبب تحقق خیار فسخ برای مرد برشمرده است. و این روایات، قاعده لاضرر را تخصیص می زنند، در حالیکه عموماً قاعده لاضرر در مورد عیوب مرد پابرجاست، پس زن با وجود هر عیبی در صورتیکه آن عیب عرفی ازدواج را به مخاطره می اندازد مانند ایدز، حق فسخ دارد، ولی مرد تنها در عیوب خاصی (پسی، جذام، دیوانگی، عَقَل) که در روایات ذکر شده دارای حق فسخ است و این تفاوت بدین جهت است که مرد با وجود حق طلاق نیاز چندانی به حق فسخ ندارد. قاعده لاضرر، و تدلیس شامل عیوب بعد از عقد نمی گردد و روایات خاصی وجود دارد که برخی از عیوب مردان (دیوانگی، عنن، خصا و جُب) و برخی از عیوب زنان (دیوانگی، جذام، پسی، قرن، افضاء، کوری، لنگی و زنا) را اثبات بر حق فسخ شمرده است و هر یک از این روایات قابل بررسی سندی و دلالی است. که در این مجال به آن موارد پرداخته شده است.